

فقه اسلامی

من يرد الله به خير ا يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند بهوی اراده خیر فرماید
اورا در امور دین داشتمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کره !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کره ! او زما
له زی خخه غویه پر انیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی."

می 2017

رجب 1438

شماره دو صد و سی ششم

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت

بسم الله الرحمن الرحيم
خاطرات ایمانی

3

أبو بكر صديق - رضي الله عنه — (قسمت دوم)

بیعت عمومی و اعلان مبادی اساسی دولت اسلامی :

فردای روز (سقیفه) ابو بکر صدیق - رضی الله عنہ . اجتماع
بزرگ مسلمین و اصحاب رسول الله (ص) را در مسجد
مبارک نبوی استقبال می کند و بیعت عمومی به خلافت
ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ . منعقد میگردد . ابو بکر صدیق -
رضی الله عنہ . برای اولین بار بعد از غیاب نور هدایت الهی
پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم . شرف بالا شدن بر منبر
مبارک رسول الله . صلی الله علیه وسلم . را اراده می کند ، بر
فراز منبر از طریق ادب در محل نشستن رسول اکرم . صلی الله
علیه وسلم . نمی نشینند بل در پایه پایین تراز آن می نشینند و
بعد از ادائی حمد و ستایش پروردگار و درود بر روان پاک
رسول اکرم . صلی الله علیه وسلم . میثاق ایمانی و عهد
سیاسی خود را که واقعاً اصول اساسی نظام سیاسی دولت
اسلامی گفته می شود با کوتاه ترین و جامع ترین عبارات
اعلام می نماید .

ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ . در اولین خطبه مملو از
حکمت و عدالت و متکی بر مبادی ایمانی و اصول
مشارکت آزاد راعی و رعیت در نظام حکم اسلامی چنین
فرمود :

«أيها الناس ! إنني وليت عليكم ، ولست بخيركم ، إن
أحسنت فأعينوني وإن أساءت فقوموني ، لأن إن الضعيف
فيكم قوى عندى حتى أخذ الحق له ، وألا وإن القوى
فيكم ضعيف عندى حتى أخذ الحق منه . أطیعوني ما
أطعut الله ورسوله ، فإذا عصيت الله ورسوله فلا طاعة
لي عليكم».

(ای مردم ! من ولی امر شما برگزیده شدم ، در حالیکه
بهترین شما نیستم ، اگر خوب کردم پس مرا یاری دهید ،
و اگر بد کردم پس مرا راست بسازید ، آگاه باشید همانا
ضعیف در میان شما نزد من قوی است تا آنکه حق او را
برایش گرفته باشم ، آگاه باشید همانا قوی در میان شما
نزد من ضعیف است تا آنکه حق (ضعیف) را از او گرفته
باشم .

مرا اطاعت کنید تا آنگاه که من در طاعت الله و رسول او
باشم و هنگامیکه من در معصیت الله و رسول او بودم پس
حق طاعت بر شماندارم .

در هیچ نظام سیاسی و در هیچ وثیقه سیاسی و در هیچ
زعامت ملی و حتی در اسناد و وثائق سیاسی مודرن
معاصر ارزش عقیده و ایمان و اصل مساوات و آزادی و
اصل عدالت و اصل مشارکت سیاسی و اصل صلاحیت و

ابوبکر صدیق /

ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ۔ در نوع برخورد با این فتنہ داخلی مشورہ و نظر اصحاب رسول اللہ (ص) را تقاضا نمود ، رأی عمر بن الخطاب و بعض از بزرگان صحابه . رضی اللہ عنہم - این بود که با فرقه دوم مرتدین یعنی منکرین (زکات) برخورد شدید نه شود و فقط با مرتدین کامل (منکرین تمام اسلام) تصفیه حساب جدی صورت بگیرد ، اما ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- اصرار داشت که انکار از یک رکن اسلام انکار از تمام اسلام است ، اسلام تجزیه پذیر نیست ، هر دو گروه مرتدین با هم فرق ندارند ، سپس ابوبکر صدیق (رض) آن گفتار تاریخی خود را که در طول قرن ها به حیث عنوان قاطعیت و تصمیم آهنین زعیم حکیم و شجاع از آن یاد شده است صادر کرد و گفت: (و اللہ لو منعو نی عقالاً کانوا یؤدونه لرسول اللہ لقاتلهم علیه) به الله قسم اگر به اندازه گردن بند شتر یا حیوانی که از مال زکات بررسول الله- صلی الله علیه وسلم- تادیه میکردند و به من آنرا نداده باشند (و از آن انکار نمایند) فقط بخاطر آن با آنها داخل جنگ خواهند شد .

ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- با تمام مرتدین در هر جا که بودند اعلان جنگ داد ، یا عودت به اسلام یا جنگ بخاطر ارتداد .

یازده فرقه قتال با مرتدین که در رأس هر کدام یک قائد آن فرقه از جمله صحابه کرام (رضی) و در رأس تمام فرماندهان (خالد بن ولید رضی اللہ عنہ) به سرزنش و جنگ مرتدین رفتند و با قبول قربانی فتنه ارتداد را خاموش ساختند و دولت جدید اسلامی آشوب بزرگ داخلی را از بین بردا .

در او ان جنگ با مرتدین ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- با نزدیکترین مشاورین شان (عمر بن الخطاب- علی بن ابی طالب- و زبیر بن العوام- رضی اللہ عنہم- در مدینه باقی ماندند و وقایع جنگ را مراقبت و رهنمائی میکردند .

اعزام لشکر اسامه بن زید :

زید بن حارثه یکی از چهار نفر اول بود که در منزل رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- زندگی داشت و به شرف ایمان و عقیده اسلامی مشرف گردید ، این صحابی جلیل یگانه

مسئولیت و رابطه دقیق و صریح را عیت به همین پیمانه با حکمت و رسا ، موجزو جامع ، روشن و صریح وارد نشده است ، عبارت کوتاه و گویای حقائق و ارزش های ثابت اسلامی از زبان نخستین زعیم دولت اسلامی واقعاً مبادی اساسی و اصول نظام سیاسی اسلام را احتوا می کند ، و آنرا به اصطلاح امروز رسمآ اعلام می نماید .

ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- بحیث خلیفه رسول الله- صلی الله علیه وسلم- در زعامت دولت و در تطبیق شریعت اسلامی شناخته شد در حالیکه کاندید این مقام نبود و برای احراز آن تلاش نه نمود (خلافت رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- در جانب نبوی آنحضرت نبوده و نزول وحی و نبوت رسول الله- صلی الله علیه وسلم- با وفات آنحضرت (ص) خاتمه میابد اما خلافت در زعامت دولت اسلامی و در نظام دعوت و تطبیق اسلام ادامه میابد) .

هنگامیکه ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- مسئولیت خلافت را پذیرفت این عبارت را اظهار نمود :

(و اللہ ما کنت حریصاً علی الإمارۃ یوماً ولا لیلة ، ولا سألتها اللہ سرآ ولا علانیة) به الله سوگند که هیچگاه طالب امارت نهیک روز و نه یک شب نبودم ، و نه آنرا از الله نه در نهان و نه در عیان نه خواسته ام (خلفاء الرسول- صلی الله علیه وسلم- خالد محمد خالد) .

فتنه ارتداد یا امتحان دشوار :

بعد از وفات رسول الله- صلی الله علیه وسلم- و در نخستین روزهای خلافت ابوبکر صدیق- رضی اللہ عنہ- برخی مردم ضعیف الایمان تصور کردند که با وفات رسول اکرم (ص) اسلام نیز وفات کرد . فتنه ارتداد و انکار از اسلام دولت جدید اسلامی را در برابر امتحان دشواری قرارداد ، و اولین خلافت اسلامی با فتنه بزرگ داخلی کار خود را آغاز کرد .

مرتدین یا کسانیکه بعد از شرفیابی به اسلام دو باره از اسلام خارج می شوند و از آن انکار می ورزند به دو دسته تقسیم شده بودند: یک گروه از اسلام به صورت کل و نهائی انکار نمودند و دسته دیگر فقط از رکن سوم اسلام (زکات) انکار و ریزیدند و متباقی ارکان اسلام را قبول داشتند .

ابوبکر صدیق /

شده است رد نمی کنم و لشکر اسامه را نافذ می سازم.
عمر-رض- موضوع سن خورد و نوجوانی اسامه را تذکر داد و امکان تبدیل آنرا به شخص بزرگتر یاد آور شد .
ابوبکر صدیق (رض) از جایر خاست و با شدت تمام خطاب به عمر (رض) گفت: (ویحک یا ابن الخطاب !
أیولیه رسول الله و تأمّنی أَنْ أَعْزِلَه؟ - بـدا بـتو اـی ابن الخطاب ! آیا کسی را که رسول الله (ص) انتخاب میفرماید از من میخواهی که او را عزل کنم؟)
ابوبکر صدیق-رضی الله عنـه- به لشکر امر حركـت میدهد ، به اسامه میگوید به حیث قائد لشکر سوار شود . اسامه سوار اسپ و ابوبکر صدیق شخصاً در رکاب اسامه جهت تودیع لشکر پیاده روان می شود ، اسامه از خلیفه خواهش می کند که سوار شود و یا خودش پایین می شود ، خلیفه می گوید: (وَاللَّهُ لَنْزَلَتْ وَلَا أَرْكَبَ ، وَمَاذَا عَلَى أَنْ أَغْبَرَ قَدْمِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ سَاعَةً؟ بـخـدا قـسم کـه تو فـروعـ نـیـائـیـ ، وـ من سـوارـ نـمـیـ شـومـ . چـهـ مـیـ شـودـ بـرـمنـ اـگـرـ ساعـتـیـ قـدـمـ هـایـ خـودـ رـاـ درـ رـاهـ اللـهـ غـبـارـ آـلـوـ بـسـازـمـ؟)
باـینـ حـرـکـتـ عـجـیـبـ قـیـادـتـ اـسـامـهـ نـوـ جـوـانـ رـاـ تـشـبـیـتـ مـیـ نـمـایـدـ وـ درـ اـیـسـتـگـاهـ وـ دـاعـ اـزـ اـسـامـهـ خـواـهـشـ مـیـ کـنـدـ :ـ بهـ عمرـ بنـ الخطـابـ اـجـازـهـ بـدـهـدـ کـهـ باـوـیـ درـ مدـیـنـهـ باـقـیـ بـمانـدـ ،ـ زـیرـاـ بـهـ مشـورـهـ وـ رـأـیـ اوـ ضـرـورـتـ دـارـدـ . (سبـحانـ اللـهـ ، خـلـيـفـهـ رسـولـ اللـهـ وـ رـئـیـسـ دـولـتـ اـسـلامـیـ اـزـ قـائـدـ نـوـ جـوـانـ برـایـ عمرـ بنـ الخطـابـ اـجـازـهـ مـیـ خـواـهـدـ تـاـ اـزـ لـشـکـرـ اـسـامـهـ مـرـخصـ گـرـددـ وـ درـ مدـیـنـهـ درـ کـنـارـ اـبـوـبـکـرـ صـدـیـقـ-ـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـ . باـشـدـ)

ابوبکر صدیق-رضی الله عنـهـ . هـنـگـامـ وـ دـاعـ بـاـ جـیـشـ اـسـامـهـ خطـابـ بـهـ آـنـهاـ چـنـانـ وـ صـیـتـیـ صـادـرـ نـمـودـ کـهـ مـثالـ بـیـ نـظـیـرـیـ درـ تـرـبـیـهـ اـسـلامـیـ وـ درـ اـصـوـلـ جـنـگـ وـ قـیـادـتـ عـسـکـرـیـ درـ نـظـامـ اـسـلامـیـ بـهـ شـمـارـ مـیـرـودـ ،ـ اوـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـ فـرمـودـ: «ـ خـیـانتـ نـکـنـیدـ ،ـ غـدرـ نـهـ نـمـائـیدـ ،ـ مـرـتـکـبـ عـمـلـ بـدـ نـهـ شـوـیدـ ،ـ بـهـ کـرـامتـ شـخـصـ تـجاـوزـ نـکـنـیدـ ،ـ اـزـ کـشـتـارـ طـفـلـ ،ـ اـشـخـاصـ سـالـخـورـدـ وـ پـیـرـ وـ اـزـ قـتـلـ زـنـانـ جـداـ خـودـدارـیـ کـنـیدـ ،ـ بـهـ اـتـلـافـ درـ خـتـانـ وـ حـرـیـقـ آـنـ وـ قـطـعـ درـ خـتـانـ مـیـوـهـ دـارـ قـطـعاـ اـقـدـامـ نـهـ نـمـائـیدـ ،ـ گـوـسـفـنـدـ وـ گـاوـ وـ شـتـرـ رـاـ ذـبـحـ نـکـنـیدـ ،ـ شـماـ دـرـ رـاهـ خـودـ بـهـ اـقـوـامـیـ موـاجـهـ خـواـهـیدـ شـدـ کـهـ دـرـ عـبـادـ تـگـاهـاـ مـصـرـوفـ عـبـادـاتـ خـودـ

یـارـ وـ خـدمـتـگـارـ رسولـ اللـهـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ اـسـتـ کـهـ بـنـامـ خـاصـ خـودـ (ـ زـیدـ)ـ درـ قـرـآنـ کـرـیـمـ شـرـفـ ذـکـرـیـاـتـهـ اـسـتـ .ـ (ـ خـاطـرـاتـ اـیـمـانـیـ اـیـنـ صـحـابـیـ خـاصـ وـ مـمـتـازـ جـدـاـگـانـهـ مـطـالـعـهـ مـیـگـرـدـ .ـ إـنـ شـاءـ اللـهـ)ـ اـسـامـهـ بـنـ زـیدـ فـرـزـنـدـ هـمـیـنـ یـارـ مـخـصـوصـ رـسـولـ اـکـرمـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ اـسـتـ ،ـ اوـ مـانـدـ پـدرـشـ نـزـدـ رـسـولـ اللـهـ (ـ صـ)ـ اـزـ مـحـبـوـیـتـ خـاصـ بـرـخـورـدـارـ بـودـ ،ـ هـنـوـزـ بـهـ بـیـسـتـ سـالـگـیـ نـرـسـیـدـ بـودـ کـهـ پـیـغمـبـرـ اـکـرمـ (ـ صـ)ـ وـیـ رـاـ بـهـ حـیـثـ قـائـدـ لـشـکـرـیـ بـهـ مـنـظـورـ روـیـارـوـئـیـ بـاـ دـولـتـ رـومـ دـرـ حـوـالـیـ شـامـ اـنـتـخـابـ فـرـمـودـنـ .ـ دـرـ لـشـکـرـیـ کـهـ اـفـرـادـ آـنـ بـزـرـگـانـ مـهـاـجـرـینـ وـ اـنـصـارـ وـ اـفـرـادـ سـابـقـهـ دـارـ وـ بـزـرـگـسـالـ بـوـدـنـدـ قـیـادـتـ نـوـجـوـانـیـ کـهـ شـکـلـ وـ صـورـتـ جـذـابـ هـمـ نـدـاشـتـ سـوـالـاتـیـ رـاـ دـرـ ذـهـنـ صـحـابـهـ اـیـجادـ نـمـودـهـ بـودـ .ـ رـسـولـ اللـهـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ اـزـینـ اـحـسـاسـ وـ اـقـفـ شـدـنـ وـ ضـمـنـ اـرـشـادـیـ خـطـابـ بـهـ اـصـحـابـ شـانـ فـرـمـودـنـ :ـ شـماـ دـرـ اـهـلـیـتـ اـسـامـهـ شـکـ دـارـیدـ ،ـ اوـ اـهـلـیـتـ وـ کـفـایـتـ اـیـنـ عـهـدـ رـاـ دـارـدـ ،ـ لـشـکـرـ اوـ رـاـ اـعـزـامـ نـمـائـیدـ .ـ لـشـکـرـ اـسـامـهـ تـنـظـيمـ شـدـ وـ دـرـ خـارـجـ مـديـنـهـ دـرـ فـاـصـلـهـ سـهـ مـايـلـیـ آـمـادـهـ حـرـکـتـ بـودـ کـهـ خـبرـ مـرـيضـیـ شـدـیدـ وـ سـپـسـ وـ فـاتـ رـسـولـ اللـهـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ رـاـ شـنـیدـنـ وـ بـمـدـیـنـهـ بـرـگـشـتـنـ وـ اـیـنـ اـمـرـ چـنـدـ رـوـزـیـ مـعـطـلـ شـدـ تـاـ آـنـکـهـ عـهـدـ خـلـافـتـ اـبـوـبـکـرـ صـدـیـقـ آـغـازـ یـافتـ ،ـ لـشـکـرـ اـسـامـهـ کـهـ اـبـوـبـکـرـ وـ عـمـرـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـمـاـ اـزـ اـفـرـادـ وـ تـحـتـ قـیـادـتـ وـیـ بـوـدـنـ اـکـنـونـ دـرـ اـنـفـاذـ آـنـ اـبـوـبـکـرـ صـدـیـقـ .ـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـ .ـ تـصـمـیـمـ مـیـ گـیرـدـ .ـ

درـ مـوـرـدـ اـنـفـاذـ یـاـ عـدـمـ اـنـفـاذـ اـیـنـ مـامـورـیـتـ نـظـامـیـ بـعـدـ اـزـ وـفـاتـ رـسـولـ اللـهـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ وـ مـشـکـلاتـ دـاخـلـیـ دـولـتـ جـدـیدـ بـرـخـیـ اـزـ صـحـابـهـ کـرـامـ بـهـ شـمـولـ عـمـرـ بـنـ الخطـابـ .ـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـ .ـ وـ شـخـصـ اـسـامـهـ بـنـ زـیدـ .ـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـمـاـ .ـ طـرفـدارـ آـنـ بـوـدـنـ کـهـ اـصـلـاـ اـعـزـامـ اـیـنـ لـشـکـرـ مـعـطـلـ گـرـددـ وـ بـرـخـیـ مـیـ کـفـتـنـدـ اـگـرـ لـشـکـرـ اـعـزـامـ شـوـدـ حـدـ اـقـلـ قـائـدـ بـزـرـگـتـرـ اـزـ اـشـخـاصـ دـارـایـ سـابـقـهـ دـرـ غـزوـاتـ اـنـتـخـابـ گـرـددـ ،ـ اـبـوـبـکـرـ صـدـیـقـ .ـ رـضـیـ اللـهـ عـنـهـ .ـ کـهـ رـأـیـ خـودـ رـاـ اـزـ مـنـبـعـ اـیـمـانـ مـیـ گـیرـدـ وـ دـرـ مـوـارـدـیـ کـهـ اـمـرـ رـسـولـ اللـهـ (ـ صـ)ـ باـشـدـ بـهـ اـجـتـهـادـ مـجـالـ نـمـیدـهـ دـرـ تـصـمـیـمـ خـودـ رـاـ چـنـینـ اـعـلـانـ کـردـ :ـ بـدـ تـرـیـنـ حـالـتـ مـرـگـ رـاـ قـبـولـ دـارـمـ اـمـرـیـ رـاـ کـهـ اـزـ جـانـبـ رـسـولـ اللـهـ .ـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ .ـ صـادـرـ

ابوبکر صدیق /

آنچه که در عهد رسالت انجام نشده بود جمع و تدوین قرآن کریم در یک مصحف واحد بود با خاطر دوام نزول وحی و امکان نسخ برخی از آیات و نیز احتمال تغییر محل و ترتیب آیات، از آنرو کتابت قرآن به صورت متفرق با وسائل ابتدائی آنوقت صورت گرفته و امکان جمع آن در یک مصحف و مجلد واحد دیده نمی شد.

با وفات رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - نزول وحی خاتمه یافت و عهد خلافت ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ - آغاز گردید، هنوز در باره قرآن کریم اندیشه و تفکر وجود نداشت اما شخصیت دور بین و متفکر و مبتکر اسلام عمر فاروق - رضی الله عنہ - به خلیفه اسلام ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ - پیشنهاد نمود تا قرآن کریم جمع و تدوین شود. ابوبکر صدیق رضی الله عنہ که یک ذره از خط رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - تجاوز نمی کرد گفت: کاری که رسول اکرم نکرده و امر نه نموده اند چگونه ممکن است ما به آن اقدام کنیم؟ عمر فاروق - رضی الله عنہ - استدلال مینمود: اگر حفاظت قرآن وفات نمودند و ساخته دولت وسیع شود آینده قرآن قابل نگرانی است، هنوز مناقشات ابوبکر صدیق و عمر فاروق - رضی الله عنہما - به نتیجه نرسیده بود که در فتنه ارتداد و جنگ های آن تعداد زیادی از حفاظت قرآن کریم شهید شدند، این واقعه استدلال عمر فاروق - رضی الله عنہ - را در رابطه با جمع قرآن کریم تقویه نمود و ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ - قناعت کرد که رأی عمر رضی الله عنہ مبنی بر خیر است و قرآن کریم باید در یک مجموعه و مصحف تدوین شود.

برای اینمنتظر ابوبکر صدیق نوع عجیب بکار برد و از میان صحابه یک جوان انصاری را که حفظ و کتابت آن جدید و در تازگی در اوخر ایام رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - حفظ خود را از حضور آنحضرت (ص) گزارش داده بود و همیشه در خدمت و ملازم رسول اکرم (ص) بود انتخاب نمود. این حافظ جوان (زید بن ثابت رضی الله عنہ) بود، خلیفه زید بن ثابت را به این امر مکلف نمود، زید می گوید: اگر کوه بزرگ را بر شانه من میگذاشتند شاید تحمل آن آسانتر می بود ازین عهده نهایت سنگین که بر دوش من گذاشتند، من هم در آغاز

شان (در دیانت مسیحی) می باشند، ایشانرا بحال خود شان بگذارید و مزاحم آنها نه شوید، بنام الله حرکت کنید». دولت روم که از وفات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - واقع شده و در چنین حالت مشکل از تجهیز چنین لشکری متعجب شدند و نه خواستند که در حوالی شام بر خوردی صورت بگیرد و قبائلی که در عرض راه به خاطر ارتداد شان بر خورد هائی واقع شد لشکر اسامه غالب و موفق بود. رفت و آمد لشکر اسامه چهل روز را در بر گرفت و لشکر سالم و غانم برگشتند.

تدوین قرآن کریم و جمع آن در یک مصحف:

نزول قرآن کریم در خلال بیست و سه سال رسالت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از طریق وحی توسط امین وحی جبرئیل امین - علیه السلام - به صورت تدریجی به عمل آمد، هر آیه قرآن کریم به مجرد نزول در قلب رسول اکرم (ص) نقش می بست و زبان مبارک شان بارها آنرا به طوریکه شنیده بودند قراءت می کرد و بحیث بزرگترین و مقدس ترین امانت و تحفه الهی آنرا به پیروان قرآن و اصحاب کرام شان انتقال میدادند، اصحاب پیامبر اکرم هر صبح و شام در انتظار شنیدن وحی جدید بحیث گران بها ترین نعمت و نور پروردگار شان بودند و آنچه که از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - از آیات قرآن کریم می شنیدند نقش دلهای شان می شد، آنرا قراءت میکردند، حفظ می نمودند و اهل کتابت شان آنرا می نوشتنند.

همه اصحاب کرام قرآن کریم را مطابق اصل قراءت مینمودند و اکثر صحابه آنرا کاملاً حفظ می داشتند و یک تعداد شان از جانب پیامبر اکرم (ص) به کتابت آن مکلف شده بودند. هیچ کلمه یا حرف قرآن کریم در پایان عهد رسالت بیرون از قید قراءت و حفظ و کتابت آن نمانده بود و چنانکه صاحب قرآن - اللہ متعال حفظ کلام و کتاب خود را ضمانت نموده و فرموده است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الْذِكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ - الحجر: ۹) . به تحقیق قرآن را ما نازل کردیم و همانا ما خود نگهبان آنیم.

صحت احادیث در فضیلت ماه رجب

بعض خطباء و واعظین احادیث را در فضیلت ماه رجب ذکر می کنند . هموطنان گرامی می خواهند صحت این احادیث را به رسول اکرم صلی الله علیه بدانند . امام یوسف القرضاوی در جواب سؤالات مسلمانان در مورد ماه رجب و احادیث که در فضیلت آن ذکر شده این جواب را میدهد :

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله و آله و صحبه ، و من اتبعه إلى يوم الدين وبعد :
در مورد ماه رجب چیزی صحت ندارد و فقط در قرآن کریم رجب ضمن ماه های حرام ذکر یافته . ماه های حرام عبارت اند از : رجب ، ذوالقعدة ، ذوالحجۃ و المحرم . این ماه ها با فضیلت استند.

یک حدیث صحیح نیست که فضیلت ماه رجب را به اثبات برسانند و فقط یک حدیث « حسن » است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ماه شعبان نسبت به ماه های دیگر روزه بیشتر میگرفتند و زمانی که از سبب روزه گرفتن در این ماه از آنحضرت سؤال شد ، فرمودند : این ماه بین رجب و رمضان قرار دارد که مردم از آن غافل اند . از این حدیث فهمیده می شود که رجب دارای فضیلت است . اما حدیث « رجب شهر الله ، و شعبان شهری ، و رمضان ماه من و رمضان ماه امتم است . این حدیث منکر و ضعیف است و علماء می گویند که حدیث موضوعی و کذب است و از ناحیه دینی و علمی فاقد قیمت است .

و اما احادیث که در فضیلت ماه رجب روایت شده و ذکر یافته که هر کس این قدر نماز بخواند و باین اندازه توبه و استغفار کند این همه مبالغه آمیز است

ابوبکر صدیق /

فکر میکردم که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . اینکار را نکردند ، اما بعد آمتوجه شدم که در آن خیر نهفته است . زید بن ثابت طرح عجیبی در اجرای این امروضع کرد و از تمام کتاب و حفاظ خواست تا تمام پارچه های مکتوب جمع آوری شده و با حفظ حفاظ تطبیق شوند و بعداً در اجتماع چند تن از کتاب و حفاظ آیت به آیت جمع و تدوین گردد . هر آیه در مکتوب و محفوظ دیده می شد و دو نفر به آن شهادت میدادند و سپس قید تدوین میگردید و با همین احتیاط و اهتمام عجیب تمام قرآن در یک مصحف جمع می شود و بحیث سند اول و دستور اساسی زندگانی مسلمین نزد شخص خلیفه بحیث بزرگترین امانت گذاشته می شود .

این نخستین جمع و تدوین قرآن کریم است که به پیشنهاد عمر فاروق و منظوری ابوبکر صدیق . رضی الله عنہما . و به ابتکار و اهتمام زید بن ثابت . رضی الله عنه . و اشتراک جمعی از کتاب و حفاظ قرآن کریم صورت گرفت . جمع دوم قرآن کریم که در حقیقت تعمیم جمع اول است در عهد عثمان بن عفان . رضی الله عنه . صورت می گیرد و این امر إن شاء الله در مطالعه خاطرات ایمانی عثمان بن عفان بیان خواهد شد . ابوبکر صدیق . رضی الله عنه . قبل از خلافت تاجر و سرمایه دار بود . یکبار تمام دارائی خود را وقف تجهیز لشکر اسلامی کرد ، خودش و دارائی اش در خدمت پیامبر اسلام و نشر اسلام وقف شده بود . زندگی خود را در دوره خلافت به معیار عامه مردم و پایین تر از آن عیار کرد ، قبل از وفات وصیت نمود که زمین ملکیت او در فلان مکان به تصرف بیت المال به عوض آنچه از بیت المال مصرف کرده است گذاشته شود ، آنچه که بعد از وفات ازوی باقی مانده بود یک خادم و یک شترو یک عبا (چپن) بود که مطابق وصیت شان به بیت المال تعلق گرفت ، تاجر سرمایه دار قبل از خلافت ، فقیر نادر در دوره زعامت و با این میراث . عمر فاروق را گریه داد و گفت : ابوبکر کسانی را که بعد از وی می آیند بیچاره و خسته ساخت . رحمک الله يا ابوبکر و رضی عنک .

دوره خلافت ابوبکر صدیق . رضی الله عنه . فقط دو سال و سه ماه و ده روز بود و در (22 جمادی الآخرة سال 13 هـ مطابق 23 اگست 634 میلادی) به عمر 63 سالگی بر حملت حق پیوست . (إنا لله وإنا إليه راجعون) .

صحت احادیث در فضیلت رجب /

فضل غنی مجددی

امام ابو حنیفه و حدیث

(قسمت اول)

آیا امام ابو حنیفه در فقه خود از حدیث استفاده نمیکرد؟ قبل از اینکه سؤال فوق را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم لازم است تا قدری به عقب برگردیم و مدرسه الرأی که امام ابو حنیفه از آن فارغ شده مورد بحث و تحقیق قرار بدهیم زیرا برنامه هایی مدرسه رأی و استادان آن موضوع فقه حنفی را بیشتر روشن می سازد.

در تاریخ فقه اسلامی دو مدرسه فقهی و یا دو مکتب فقهی مهم وجود دارد ، یکی بنام مدرسه أهل حدیث یا مدرسه حجاز و دیگر آن بنام مدرسه رأی یا مدرسه کوفه.

اول مدرسه حجاز (مدینه منوره) یا مدرسه حدیث :

فقهای هفتگانه از طبقه تابعین را ابن القیم در کتاب خود بنام (أعلام الموقعين) به این ترتیب ذکر میکند از: ابن المسیب، عروة، القاسم، خارجه، ابوبکر، سلیمان و عبیدالله بن عبد الله.

فقهای هفتگانه مدینه اساسات فقه را در حجاز پایه گذاری نمودند و نقش مهم را در تأسیس فقه و مدارس فقهی داشتند تا اندازه ایکه عصر فقهی آنزمان را در تاریخ فقه و تشریع بنام (عصر فقهای هفتگانه) یاد میکنند.

مردم مدینه منوره یا حجاز روش علمی استادان اول را که در مقدمه ایشان زید بن ثابت و عبدالله بن عمر میباشدند صدر صد تعقیب نمودند. عبدالله بن عمر به آثار رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بسیار پابندی داشت و از طرز و روش زندگی آنحضرت در حیات فردی و شخصی و اجتماعی و فقهی خارج نمی شد.

در مقدمه شاگردان مدرسه حجاز سعید بن المسیب است که آثار و فتوحاتی صحابه را ثبت و حفظ نمود.

میتوان ممیزات مدرسه حجاز را به نقاط ذیل خلاصه نمود :

و همه روایات کاذب و از علامات کذب است. علماء می گویند که وعد به ثواب عظیم در اجراء یک امر عادی و عیید به عذاب شدید بیک گناه کوچک دلالت بین میکند که این احادیث دروغ و کذب باشد . مثلا می گویند که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند : « یک لقمه نان در بطن گرسنه بهتر است از بناء هزار مسجد » این حدیث کذب است زیرا ممکن و معقول نمی باشد که یک لقمه نان در بطن یک گرسنه ثواب آن بزرگتر از تعمیر هزار مسجد باشد .

احادیث که در فضیلت ماه رجب ذکر میشود لازم است علماء این احادیث موضوعی و کذب را توضیح کنند و مردم را به گرفتن آن متوجه سازند . روایت است که اگر کسی به حدیث که کذب باشد سخن بزند او کذاب میباشد . احادیث را باید از مرجع و منبع اصلی آن گرفت و کتب احادیث موجود است که مورد اعتماد میباشد و همچنان کتب احادیث ضعیف و موضوعی نیز موجود است.

از جمله این کتب ، کتاب « المقاصد الحسنة » از السحاوی ، « تمیز الطیب من الخبیث لما یدور على ألسنة الناس من الحديث » از ابن الدیبع ، « کشف الخفا و الإلباس فيما اشتهر من الأحادیث على ألسنة الناس » العجلوني ،

خطباء باید احادیث موضوعی و کذب را ذکر نکنند و احادیث صحیح را که در کتب احادیث معتمد است روایت نمایند و آفات بزرگ که در ثقافت اسلامی ما بوجود آمده ذکر و استفاده از همین احادیث موضوعی و غیر صحیح است و واجب است تا ثقافت و فرهنگ اسلامی خود را از این آفات پاک سازیم

امام ابو حنیفه و حدیث /

تدوین شود . (مصطفی احمد الزرقا « المدخل الفقهي العام جلد اول » ص: 170) .

رأى ، مصدری از جملة مصادر تشريع و فقه در نزد أهل رأی و پیروان مدرسة عراق از نظریات فقهاء های عراق نبود بلکه فقهاء و علمای عراق رأی را از عمر بن الخطاب به میراث برده بودند . رأی نزد عمر رضی الله عنہ در مسائل اداره دولت معنی مصلحت را داشت و عمر در شئون اداره دولت و نظام آن از رأی کار میگرفت لیکن اگر موضوع به قضاe می بود از قیاس گار گرفته به رأی متول نمیشد . (محمد ابو زهرة « تاریخ المذاهب الاسلامیة » ص: 245 - 246) .

حضرت عمر رضی الله عنہ ، عبدالله بن مسعود را به عراق فرستاد تا مردم آنجا را تدریس علوم اسلامی نماید . عبدالله بن مسعود روش و طریقت حضرت عمر را در مسائل فقهی پیروی و تعقیب نمود و نظریات عمر اثر مستقیم را در روش و طرز فکری او گذاشت . عبدالله بن مسعود در هیچ قضیه مخالف نظر عمر عمل نمیکرد و میگفت اگر مردم همه راه و وادی را عبور کنند و عمر راه و وادی دیگر را عبور کند من طریق عمر را تعقیب میکنم . (مناع القطن « تاریخ التشريع الاسلامی » ص: 292) .

اقامت عبدالله بن مسعود در عراق سبب افتتاح یا تأسیس مدرسه علمی بزرگ در منطقه شد و شاکردان مدرسه بن مسعود روش علمی و اسلوب فقهی استاد خود را پیروی کردند . مدرسه بن مسعود در عراق اساس مدرسه و میتوود (رأی) را بوجود آورد بدرجۀ که بعض تابعین مدرسه رأی را به عبدالله بن مسعود نسبت داده میگویند (ربیعة الرأی) . موجودیت امام علی کرم الله وجهمه در عراق از عوامل دوم نشر فقه رأی در عراق بود .

میتوان مهمترین عوامل و اسباب تأسیس مدرسه رأی را در عراق اینطور خلاصه نمود :

اول) متأثر شدن فقهاء عراق به نظریات عبدالله بن مسعود که نامبرده فقه عمر بن الخطاب را که رأی یکی از عناصر آن بود در عراق نشر نمود و همچنان مردم عراق تحت تأثیر اجتهدات امام علی بن بی ابی طالب رضی الله عنہ و قضایای زمان خلافت اش در عراق قرار داشتند .

مميزات مدرسة حجاز :

اول : اجتناب یا دوری کردن از کثرت سؤال و عدم فرض مسائل قبل از وقوع آن و حکم در قضیه ای که واقع شده نه در قضیه ای که شاید واقع شود بدین ترتیب مسائل فرضی در فقه مدینه وجود نداشت .

دوم : تمسک و پابندی کامل به حدیث و آثار ، لذا اساس علم در نزد شان کتاب و سنت و اثر بود و عنایت و توجه بیشتر به حفظ این سه اصل (قرآن ، سنت ، آثار) در فقه داشتند و مراجعه به اجتهاد و رأی در حالات ضرورت و در چوکات محدود وجود داشت .

امام محمد الغزالی معاصر که از امام مدرسه رأی و از پیروان مذهب حنفی بود ، امام مالک را که از امامان مدرسه اهل حدیث بود ضمن امامان مدرسه رأی می آورد و ثابت میسازد که امام مالک از مدرسه حدیث و رأی در فقه خود استفاده میکرد . (دکتور یوسف القرضاوی « الشیخ الغزالی کما عرفته » ص: 218) .

دوم : مدرسة اهل رأی در عراق :

مدرسه عراق در تاریخ فقه بنام مدرسه رأی نیز یاد میشود و فقهاء عراق در فقه رأی را مهم می دانستند . در تعریف رأی امام شافعی رضی الله عنہ می گوید که : رأی آن نظر صحابه است که مورد مخالفت رأی باقی صحابه واقع نشده باشد و امام شافعی اضافه میکند که رأی صحابه نسبت به رأی ما فضیلت دارد . (فضل غنی مجددی « در نظام دولت اسلامی » ص: 113) .

رأی به معنی و مفهوم قانونی ، قوت خود را از قرآن کریم و سنت می گیرد . استاد علی حسن عبدالقادر در کتاب خود بنام (نظرة عامة فى تاریخ فقه) در موضوع رأی می نویسد : طریقت و روش اهل رأی ، روش و طریقت معقول و طبیعی بود و اضافه میکند که : رأی شریف ترین روش و طریقت است زیرا احادیث که از آن احکام گرفته میشود کم است و برای تنظیم روابط اجتماعی و تقنین لازم است که اجتهاد به احادیث قلیل و صحیح شده از آن احکام استنتاج و فقه اسلامی

مصلحت در حجاز اهمیت بیشتر را نسبت به فقه قیاس و رأی در عراق داشت و مصلحت نزد حجازی ها نیست مگر در اموری که فعلاً واقع شده باشد . (محمد ابو زهره « تاریخ المذاهب الاسلامیة » ص: 259 – 256).

به این اساس و قاعده فقهی ، فقهای حجاز به امور فرضی یعنی یک قضیه را قبل از وقوع آن فرض نمودن و در حل آن کوشیدن اعتقاد ندارند در حالیکه قاعده افتراضی یا فرض کردن یکی از علامات بارز در فقه عراق است . فقهای عراق مانند الشعیبی ، علقمه ، ابراهیم نخعی ؛ حماد بن ابی سلیمان ، استاد امام ابو حنیفه در مسائل اجتهادی زیادتر از قیاس کار میگرفتند و از استادان خود عبدالله بن مسعود و امام علی رضی الله عنهم در فقه رأی و قیاس پیروی صادقانه می نمودند . در تاریخ فقه ابراهیم نخعی لسان رسمی فقهای کوفه در عراق معرفی می شود و تمام فقهای عراق از نظریات وی استفاده و در بسیاری موارد از آن خارج نمی شدند . (ابو زهره ، نفس مرجع ، ص: 261).

در آغاز تأسیس مذاهب فقهی خلاف یا اختلاف بین مدرسه رأی و حدیث در موضوع رأی در مسائل تشریعی و فقه زیاد بود و بعداً اصحاب هر دو مدرسه در موضوع رأی بهمدیگر نزدیک شده رأی را به طریق صحیح و به حدود و اصول شرعی آن یکی از عناصر مهم در فقه قبول کردند . اختلاف در موضوع رأی در عصور ما بعد از امامان و مؤسسان مذاهب کمتر شد و شاگردان مذاهب با همدیگر شان یک واحد فکری را ساختند که در نتیجه تقارب فکری بین فقهاء و علماء کتب فقه اسلامی مملوء از رأی و حدیث گردید . (مصطفی احمد الزرقا ، مرجع سابق ، ص 171 – 172).

امام ابو حنیفه و حدیث /

دوم) قلت حدیث در عراق نسبت به حجاز . حجاز محل اقامت و زندگانی رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه بود . تعداد صحابه مقیم در حجاز نسبت به تعداد صحابه در عراق بیشتر بودند .

سوم) هم سرحد بودن عراق به فارس و نزدیکی آن به ثقافت ، فرهنگ و کلتور فارسی و متأثر شدن ثقافت عراق به آن و ظهور قضایای جدید که راه حل جدید را می خواست و حل آن احتیاج به رأی و قیاس داشت . امام شعیب می گوید که من یک حدیث را که می شنوم صد مسأله را به آن قیاس می کنم .

میزات مدرسه رأی :

مدرسه رأی در عراق از خود میزات خاص را دارد که همین میزات مدرسه رأی را از مدرسه حدیث در حجاز متفاوت می سازد . أهم میزات مدرسه عراق را میتوان این طور خلاصه نمود :

اول - فرض مسائل و قضایا قبل از وقوع آن و اصدار حکم در مورد آنها ، مثلاً می گفتند : { اگر این طور پیش شود } در نتیجه روش شان فقه جدید ظهور نمود که بنام (فقه افتراضی) یاد میشود .

دوم - قلت روایت شان از حدیث و گذاشتن شروط بسیار دقیق و مشکل در قبول حدیث و تعقیب روش عمر بن الخطاب و عبدالله بن مسعود که معروف به اسلوب روایت و عدم گرفتن زیاد به حدیث بود .

امام ابو زهره میزات مدرسه حدیث در حجاز و میزات مدرسه رأی در عراق را بررسی دقیق نموده باین نتیجه میرسد که : در حقیقت حدیث در پهلوی رأی در عراق موجود بود و همچنان بجانب حدیث ، رأی در مدینه وجود داشت . در موضوع و مورد گرفتن حدیث و رأی تفاوت و اختلاف بین مدرسه حدیث در حجاز و رأی در عراق بود که می توان اختلاف شان را به دو نقطه ذیل خلاصه نمود :

اول) مقدار و اندازه رأی در نزد مردم عراق نسبت به مردم حجاز بیشتر بود .

دوم) در نوع اجتهاد به اساس رأی ، اجتهادات در نزد اهل عراق بساس و طریقت قیاس بود در حالیکه اجتهادات در نزد مردم حجاز از طریق رأی بساس مصلحت بود و فقه

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104

Fremont , ca 94539

U.S.A

Tel (510) 979 - 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

www.Islaminfo.one